

سین

شیعه یعنی صد میانان حسرت و جو

شیعه یعنی بجزرت

از من تابه او

صلوات الله على سيدنا محمد

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی: فاطمه محمودی

ماه نامه سائیس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه totayar@iran.ir

Iea.iran@iran.ir

ماهنامه «سائیس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سائیس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟ سائیس من کیست؟



با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

بحث امروز من درباره‌ی ابعادی از شخصیت امام عزیز و بزرگوار ما است. البته در تعدادی از سالهای گذشته، درباره‌ی ابعادی از شخصیت امام صحبت شده است — ما صحبت کرده‌ایم، دیگران صحبت کرده‌اند — لکن با وجود این، ناگفته‌ها هنوز بسیار است

هر چه گویم عشق را شرح و بیان
(چون به عشق آیم خجل باشم از آن) (۲)

بسیاری از ابعاد شخصیت امام بزرگوار ما همچنان ناشناخته است. در واقع نسل کنونی انقلاب، بخصوص نسل جوان ما، امام عزیز را بدرستی نمی‌شناسند، درک نمی‌کنند، عظمت امام را نمیدانند؛ امام را با امثال این حقیر مقایسه میکنند؛ در حالی که فاصله بسیار زیاد است، فاصله نجومی است. امام شخصیت استثنائی بود به معنای واقعی کلمه.

شناسایی امام برای نسل جوان از این جهت اهمیت دارد که به آنها کمک میکند برای اداره‌ی بهینه‌ی آینده‌ی کشور؛ امام، فقط امام دیروز نیست؛ امام امروز هم هست، امام فردا هم هست. نسل جوان و هوشمند ما که قرار است مسئولیت ملی و انقلابی گام دوم این انقلاب را بر عهده بگیرد و آینده‌ی این کشور را اداره بکند، احتیاج دارد به یک نرم‌افزار واقعی؛ برای اینکه بتواند راه انقلاب را درست طی کند که این راه انقلاب، ایران را و ملت ایران را به منتهای قله خواهد رسانید، احتیاج دارد به یک نرم‌افزار مطمئن و جامع که بتواند به او کمک کند. این نرم‌افزار که میتواند شتاب‌دهنده باشد، کمک‌کننده باشد و حتی در مواقعی تحوّل‌آفرین باشد، عبارت است از درسهای امام؛ درسهایی که هم در گفتار امام، هم در رفتار

بیانات در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و
نبينا ابي القاسم المصطفى ﷺ محمد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين
المكرمين سيما بقيّة الله في الارضين

اولاً به همهی حضار محترم، برادران عزیز، خواهران عزیز که در این محفل باشکوه شرکت کرده‌اند سلام و تحیت خودم را عرض میکنم؛ انشاءالله که موفق باشید. دلمان تنگ شده بود برای امام و برای این محفل گرمی که همه‌ساله گرد مرقد مطهر امام تشکیل میشود؛ خدا را شکر میکنیم که امسال مجدداً این جلسه، این محفل گرم و پرمعنا تشکیل شد. امام بزرگوار، روح جمهوری اسلامی است؛ اگر این روح از جمهوری اسلامی گرفته بشود و مورد بی‌توجهی قرار بگیرد، نقشی بر دیوار باقی خواهد ماند.

میشود. در انقلاب شوروی به دوازده سال هم نرسید؛ انقلاب را مردم کردند لکن بعد از چند سال کوتاه، استالین (۳) و جانشینانش آن چنان استبدادی را، دیکتاتوری‌ای را بر کشورهای شوروی — کشورهایی که مجموعاً شوروی سابق را تشکیل میدادند — اعمال کردند که سلطنت‌های قبل از آنها این استبداد را ندیده بودند؛ باز هم مردم هیچ‌کاره بودند و هیچ‌کاره شدند؛ اما در جمهوری اسلامی، نه

انقلاب اسلامی هم با حضور مردم و با جسم مردم و جان مردم به پیروزی رسید اما مردم کنارزده نشدند. پنجاه روز یعنی کمتر از دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، رفراندوم سراسری مردمی برگزار شد و مردم، نظام حکومت را انتخاب کردند؛ اختیار به مردم داده شد. مردم نظام حکومت را، «جمهوری اسلامی» را انتخاب کردند در یک رفراندوم، در یک انتخابات آزاد. حدود یک سال از پیروزی انقلاب گذشته بود، اولین رئیس‌جمهور با انتخابات مردم انتخاب شد؛ چند ماه بعد هم مجلس شورای اسلامی، [یعنی] مجلس قانون‌گذاری تشکیل شد با انتخابات مردم؛ از آن روز تا امروز هم که چهل و سه چهار سال گذشته، نزدیک به پنجاه انتخابات در این کشور انجام گرفته؛ مردم وارد شدند، وارد میدان شدند، در میدان حضور دارند، انتخاب میکنند و رأی میدهند؛ عظمت این انقلاب این است؛ امام رهبر یک چنین انقلابی بود

البته این [مطلبی] که عرض کردیم، یکی از وجوه عظمت انقلاب است؛ وجوه دیگری هم وجود دارد که این انقلاب را، انقلاب اسلامی را بکلی با انقلابهای دیگر متفاوت میکنند، که یکی‌اش همین حضور معنویّت در این انقلاب است. در انقلابهای کوچک و بزرگ قبلی، چه آن دو

امام میتوان آنها را جستجو کرد و یافت. اولین نکته‌ای که درباره‌ی امام باید عرض کرد، مسئله‌ی رهبری بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ انقلابها است که حالا من درباره‌ی این رهبری بعداً یک توضیحی عرض میکنم

چرا میگوییم بزرگ‌ترین انقلاب در تاریخ انقلابها؟ در تاریخ انقلابها، انقلابهای کوچک و بزرگ زیاد است؛ از همه‌ی اینها معروف‌تر، انقلاب کبیر فرانسه است در ۱۷۸۹ در قرن هجدهم، و بعد هم انقلاب شوروی است در ۱۹۱۷ در قرن بیستم؛ این دو انقلاب، معروف‌ترین انقلابهای بزرگ تاریخ انقلابها هستند؛ اما انقلاب اسلامی از این دو بزرگ‌تر است؛ چرا؟ دلایل گوناگونی دارد، که من به یک مطلب اساسی و مهم اشاره میکنم؛ و آن، این است که این دو انقلاب، یعنی انقلاب فرانسه و انقلاب شوروی، هر دو به وسیله‌ی مردم پیروز شدند، مردم آنها را به پیروزی رساندند اما بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، مردم شدند هیچ‌کاره، مردم کنارزده شدند؛ مردم نتوانستند در ادامه‌ی این انقلابی که خودشان آن را با تن خودشان و جان خودشان و با حضورشان در خیابانها به وجود آورده بودند، شرکتی و حضوری داشته باشند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که این دو انقلاب بسرعت از مسیر مردمی اولی خودشان منحرف شدند. بعد از حدود دوازده سیزده سال از انقلاب کبیر فرانسه — انقلابی که علیه پادشاهی، علیه سلطنت به وجود آمده بود — مجدداً کشور فرانسه سلطنتی شد، ناپلئون سر کار آمد، تاج سلطنت به سر گذاشت، پادشاهی برگشت؛ تقریباً پانزده سال در رأس قدرت بود، بعد برکنار شد و همان خانواده‌ای که انقلاب فرانسه علیه آنها تشکیل شده بود، برگشتند و اداره‌ی امور فرانسه را به عهده گرفتند؛ خانواده‌ی بوربون‌ها؛ دوباره همانها آمدند. وقتی مردم در میدان نیستند، این [جور]

قادر نبود این کار بزرگ را، این بار سنگین را به دوش بکشد و به منزل برساند. منحصرأً این کار، کار امام بزرگوار بود؛ او بود که توانست این کار را بکند.

امام، در مقاطع مختلف، «میدان مبارزه» را هم مشخص میکرد، به مردم تعلیم میداد که میدان مبارزه کجا است؛ در مقاطع مختلف، به تناسب؛ در دوران نهضت یک جور، در گرماگرم روزهای خونین پیروزی انقلاب یک جور. آن وقتی که رژیم، در آخرین نفسهایش، با کمک آمریکا به فکر این بود که حکومت نظامی در تهران برقرار کند، مردم را به خانه‌هایشان بفرستد و در غیاب مردم ریشه‌ی کار را بکلی از بین ببرد، امام با الهام الهی — حقیقتاً با الهام الهی که خودِ امام هم بعداً این را گفتند — به مردم گفت بیایید در خیابانها. خیلی از سیاست‌یون انقلابی، در آن ساعت، مخالف این کار بودند، میگفتند این خطر دارد برای مردم؛ امام گفتند نخیر، اعلان کردند که مردم بیایند در خیابانها. این تعیین میدان مبارزه بود؛ معلوم شد که در این ساعت، در این روز، مبارزه این است که مردم از خانه‌ها بیایند در خیابانها؛ این جور میدان را معین میکرد.

در ماه‌های اول، میدان مبارزه را امام مشخص کرد. در ماه دوم انقلاب، میدان مبارزه عبارت بود از ایجاد رفراوندوم و رأی دادن به نوع حکومت اسلامی و مقابله‌ی با ضدانقلاب.

در یک برهه‌ای مسئله‌ی پاوه؛ در قضیه‌ی پاوه و محاصره‌ی نیروهای انقلابی و مبارز اسلام، امام دستور دادند که همه بروند. آن ساعت و آن روز عصر را بنده فراموش نمیکنم؛ تهران یک منظره‌ی عجیبی گرفته بود؛ همه در خیابانها کانه میخواستند بروند پاوه، دنبال ماشین بودند، دنبال وسیله بودند که راه بیفتند بروند طرف پاوه که امام گفته بود. میدان مبارزه را مشخص میکرد.

انقلاب فرانسه و روسیه و چه انقلابهای کوچکی که در این سالها اتفاق افتاد در قرن بیستم و نوزدهم، معنویت مفقود بود؛ جنبه‌ی معنوی انسان که یکی از نیازهای اساسی انسان است، بکلی مفقود بود و مغفول‌عنه بود و کسی به آن توجه نداشت. انقلاب اسلامی، انقلابی است که هم به جنبه‌ی مادی انسان و هم به جنبه‌ی معنویت انسان توجه دارد، توجه کرده است و به آن پرداخته است.

خب، امام (رضوان الله علیه) رهبر این انقلاب بود و رهبر نهضتی بود که به این انقلاب انجامید. حالا «رهبر نهضت و انقلاب» یعنی چه؟ اینجا است که عظمت کار معلوم میشود. البته انقلاب را مردم به پیروزی رساندند؛ در این تردیدی نیست. اگر مردم وارد میدان نمیشدند، با جسم و جان خودشان، با حضور خودشان، با فداکاری‌های خودشان، با شهید دادن‌های خودشان وارد نمیشدند، انقلاب پیروز نمیشد؛ انقلاب را مردم پیروز کردند، اما آن دست قدرتمندی که توانست این اقیانوس را به تلاطم دربیآورد، آن دست قدرتمند، دست چه کسی بود؟ این مهم است. آن دست قدرتمند، آن شخصیت فولادین، آن دل مطمئن، آن زبان ذوالفقارگونه که توانست میلیون‌ها انسان را از قشرهای مختلف وارد میدان کند، اینها را در میدان نگه دارد، یأس و نومیدی را از اینها دور کند، جهت حرکت را به اینها تعلیم بدهد، عبارت بود از امام بزرگوار؛ او عبارت بود از خمینی عظیم

امام مردم را وارد میدان کرد، راهکار را نشان داد، آنها را در میدان نگه داشت، یأس و تردید را از آنها دور کرد. هیچ کس دیگر در این کشور قادر به این کار نبود. ما می‌شناختیم شخصیت‌های سیاسی را، شخصیت‌های روحانی را، خیلی‌ها را از نزدیک، بعضی را از دور؛ احدی

شخصی او، خصوصیات بود که در مجموع و همه با هم در کمتر شخصیتی ممکن بود به وجود بیاید و ما سراغ نداریم؛ یعنی بنده واقعاً در طول تاریخ خودمان هم کسی که همه‌ی این خصوصیات را با هم داشته باشد سراغ ندارم.

اولاً پاک و پرهیزکار بود؛ امام یک شخصیتی بود به معنای واقعی کلمه باتقوا و پرهیزکار و پاک.

ثانیاً اهل معنویت و حالات عرفانی بود؛ اهل معنویت بود، اهل حالات عرفانی بود، اهل گریه‌ی سحر بود. مرحوم آقای حاج احمد آقا به بنده گفت سحرها که امام بلند میشوند و در نماز و در دعا گریه میکنند، این دستمال معمولی‌ای که ایشان دارند کفاف نمیدهد، برای ایشان حوله میگذاریم؛ حوله‌ی دست و رو خشک‌کنی برای اشک! اهل این معنویتها بود.

اهل لطافت روحی بود؛ این کتابهای معنوی امام مثل آداب الصلاة، مثل شرح حدیث [جنود] عقل و جهل را امام تقریباً در جوانی یا اوایل میانسالی — حدود چهل سالگی — نوشته بود؛ از جوانی این جور بود.

امام جمع کرده بود بین حماسه و عرفان؛ هم حماسه‌ساز بود، هم دارای معرفت و معنویت بود.

از لحاظ اخلاقی به معنای واقعی کلمه شجاع بود؛ از قول امام نقل کرده‌اند — بنده این را نشنیده‌ام — که امام فرموده باشد که «والله من تا حالا نترسیده‌ام» اما آنچه من خودم دیدم و خودم از امام شنیدم، [این بود که] یک وقتی بنده راجع به یک مسئله‌ای با امام صحبت میکردم — یک مشکلی وجود داشت، برای ایشان شرح میدادم و یک پیشنهادی داشتم — در ضمن صحبت به ایشان گفتم که «شما این کار را نمیکنید چون میترسید ...»؛ میخواستم بگویم میترسید که مثلاً فلان مشکل پیش بیاید؛ تا گفتم میترسید، ایشان گفتند من از چیزی نمیترسم! خصوصیت ایشان این بود. بنده نمیخواستم

در دوران جنگ تحمیلی یک جور؛ در مقابله‌ی با کودتای آمریکایی در پایگاه هوایی همدان یک جور. این خاطره را بد نیست من عرض بکنم؛ بعد از آنکه یک جوان افسر خلبان نیروی هوایی، باوجدان، متدین، نیمه‌ی شب در سحر آمد بنده را مطلع کرد از اینکه قرار است کودتا بشود و خب ما هم دستگاه‌های مختلف را در جریان گذاشتیم و آمادگی به وجود آمد، من و مرحوم آقای هاشمی رفتیم خدمت امام، نگران بودیم برای امام یک حادثه‌ای پیش بیاید؛ پیشنهاد کردیم که ایشان از آن خانه‌ی جماران خارج بشوند، ایشان قبول نکردند، گفتند من از اینجا نمیروم، من همین جا هستم ولی شما بروید فلان جا را حفظ کنید؛ یک جای مشخصی را — که من نمیخواهم اسم بیاورم — گفتند بروید آنجا را حفظ کنید؛ میدان را مشخص میکرد.

در دوران دفاع مقدس، در برخورد با صدام، پس از قبول قطعنامه [هم همین‌طور]. شما نگاه کنید به اطلاعیه‌ی امام برای قبول قطعنامه، می‌بینید که امام تکلیف مردم را برای بعد از قبول قطعنامه معین کرده بود؛ میدان مبارزه را برای بعد از رفتن خودش، برای مردم شرح داده و بیان کرده؛ این وصیت‌نامه، این بیانات، بیانیه‌های مهم سال آخر حیات امام بزرگوار (رضوان الله علیه)، اینها همه مشخص کردن میدان مبارزه برای بعد از خود او است.

خب، رهبری انقلاب یعنی این. رهبری انقلاب یک کلمه‌ی بسیار پرمغز و پرمعنا است در مورد امام بزرگوار. حالا درباره‌ی بررسی شخصیت این رهبر بزرگ، هم میتوانیم خصوصیات شخصی او را مطرح کنیم، هم میتوانیم درباره‌ی مکتب او حرف بزنیم که اینها البته بحثهای طولانی و مفصلی است؛ من خیلی کوتاه سعی میکنم در این زمینه مطالبی را عرض بکنم.

در مورد خصوصیات شخصی، امام بزرگوار به معنای واقعی کلمه یک آدم ممتاز بود؛ واقعاً ممتاز بود. خصوصیات

بگویم «شما ترسو هستید»، این یک تعبیر عرفی معمولی است یعنی «ملاحظه میکنید که این اتفاق نیفتد» اما کلمه‌ی ترس را که [به کار] بردم، ایشان گفتند من از چیزی نمیترسم. شجاع بود به معنای واقعی کلمه

دارای حکمت و عقلانیت بود، اهل محاسبه بود؛ کار را بدون محاسبه انجام نمیداد و اقدام نمیکرد، محاسبه میکرد؛ و وقتی در این محاسبه به یک نتیجه‌ای میرسید، با کمال قاطعیت آن را انجام میداد، و تردید و تزلزل در کارش وجود نداشت

هرگز مایوس نمیشد؛ این همه حوادث در همان سالهای اول انقلاب رخ داد — این شهادتها، شهادتهای دسته‌جمعی، حوادث گوناگون — [ولی] مطلقاً در دل امام این تاثیر را نگذاشت که ایشان را مایوس بکند. به معنای واقعی کلمه اهل صداقت بود، صادق بود؛ هم با خدا صادق بود، هم با مردم صادق بود. به وعده‌ی خود، به عهد خود پایبند بود.

در اول ورود به تهران در سال ۵۷، دوازدهم بهمن ۵۷، در سخنرانی‌ای که در همین بهشت زهرا ایشان [ایراد] کردند، گفتند من دولت تعیین میکنم؛ چهار روز بعد دولت تعیین کردند. در خلال این چهار روز، شورای انقلاب را خواستند، رفتیم آنجا. ظاهراً ایشان به بعضی از افراد شورای انقلاب مثل شهید مطهری و شهید بهشتی و مانند اینها سفارش کرده بودند که یک کسی را پیدا کنند، [اما] اینها هنوز اقدام نکرده بودند؛ امام اوقاتشان تلخ بود، تشر زدند که چرا اقدام نمیکنید؛ این جوری بود. بسیار منظم و وقت‌شناس بود؛ که حالا ما جریانهای زیادی از ایشان در این زمینه دیده‌ایم. اهل توکل به معنای واقعی بود؛ وعده‌ی الهی را قبول داشت و به وعده‌ی خدا اطمینان داشت. وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ (۴) مصداق واقعی این جمله بود. مبارز بود؛ که حالا مبارز را بعداً شرح خواهم داد که «مبارز بود» یعنی چه. از این [قبیل] خصوصیات، خصوصیات ممتاز دیگری هم امام داشتند؛

اینها خصوصیات شخصی امام بود

اما در مسئله‌ی مکتب و اصول و هدفها. اگر بخواهیم زیربنای مکتب مبارزه‌ی امام را و انقلاب امام را در یک جمله عرض بکنیم، باید بگوییم زیربنای همه‌ی فعالیت‌های ایشان «قیام‌الله» بود؛ هدف، قیام‌الله [بود]؛ همان که در یادداشت معروفشان در دوران جوانی در دفتر مرحوم وزیری یزدی (۵) (رحمة الله علیه) نوشته‌اند: قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَأْحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَ فُرَادَى؛ (۶) قیام‌الله، که این قیام‌الله ریشه‌ی قرآنی بسیار مستحکمی دارد. قیام‌الله در همین آیه‌ی سوره‌ی سبأ — قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ — بیان شده، یا «قوموا لله قانتین» (۷) در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، یا در آیه‌ی دیگری در سوره‌ی مدثر در اول بعثت: يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿۱﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ؛ (۸) «قیام‌الله» یعنی این. حالا این «قیام‌الله» در هر دوره‌ای ممکن است به نحوی باشد

قیام‌الله همیشه یک جور نیست لکن در همه‌ی اینها هدف «قیام‌الله» یک چیز بیشتر نیست و آن، اقامه‌ی حق و اقامه‌ی عدل و قسط و ترویج معنویت است؛ در همه‌ی دورانها این است؛ یعنی اقامه‌ی حق. «قیام‌الله» در یک دوره به شکل مبارزه‌ی آنچنانی است، در یک دوره به شکل کار علمی است، در یک دوره به شکل حرکت سیاسی است اما در همه‌ی اینها هدف «قیام‌الله» باید اقامه‌ی حق باشد، این یک؛ اقامه‌ی قسط و عدل باشد، این دو؛ و ترویج معنویت باشد، این سه؛ هدف، اینها است. آیات کریمه‌ی قرآن را من یادداشت کرده‌ام، شما میتوانید مراجعه کنید به «المعجم»، در ماده‌ی «قام» آنجا معلوم میشود که این قیام برای چیست. فرض کنید «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، (۹) که همه‌ی آمد و رفت پیغمبران و ارسال رسل و انزال کتب برای این است که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ این یک آیه. یا در آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی نساء: وَ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ لِيُقِيمُوا بِالْقِسْطِ، (۱۰) یا در آیه‌ی سوره‌ی الرِّحْمِ: وَ أَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ، (۱۱) یا در سوره‌ی

ما وارد میدان بشویم، مردم خواهند آمد. در اول نهضت، در سال ۴۱، در قم، در سخنرانی بعد از درس، ایشان با دست اشاره کردند گفتند اگر بگوییم به مردم یا بخواهیم از مردم — یک تعبیر این جور — مردم این بیابان را پُر خواهند کرد. (۱۷) این مال سال ۴۱ است که هنوز خیلی‌ها امام را نمی‌شناختند، اسم امام را هم نشنیده بودند؛ این جور به مردم اعتماد داشت و اعتقاد داشت. قدر مجاهدتهای مردم را میدانست، حرکت را به معنای واقعی رهبری میکرد، با نفس گرم خود دلها را گرم نگه میداشت، نمیگذاشت مایوس بشویم، نمیگذاشت مردد بشویم، مردم در خلأ نظرات امام نبودند. خب؛ این مربوط به دوران نفی، دوران مبارزه‌ی با نظام طاغوت

و اما در دوران اثبات، دوران ایجاد جمهوری اسلامی — که بسیار مهم است حرکت امام در دوران ایجاد جمهوری اسلامی — سعی امام این بود، نقشه‌ی راه امام این بود که طرح جدید را از گذشته‌ی منحنی کشور جدا کند، آینده را از گذشته بکلی جدا کند؛ سعی امام این بود. این آینده را چه جوری میتوانست جدا کند؟ به این صورت که طرحی که ارائه میکرد و پیشنهاد میکرد برای اداره‌ی کشور، در ذیل فرهنگ و تمدن و قاموس غربی قرار نگیرد. امام اصرار داشت که این طرح، طرح جمهوری اسلامی، در ذیل آنچه در غرب به آن میگویند «جمهوری» یا «مردم‌سالاری» قرار نگیرد. لذا من بیان کردم، سال گذشته در صحبت همین روز تبیین کردم که «جمهوری» مال اسلام است، «جمهوری» وام‌گرفته‌ی از غرب نیست، مربوط به خود اسلام است. اینکه امام روی رأی مردم این همه تأکید میکند، این ناشی است از معرفتی که به مسئله‌ی اسلام داشت. لذا امام [مصمم بود] از آن دو مکتبی که آن روز در دنیا رایج بود، یعنی لیبرال دموکراسی سرمایه‌محور تا رژیم کمونیستی دیکتاتوری‌محور، از هر

شوری: أَقِیْمُوا الدِّینَ، (۱۲) یا در سوره‌ی مائده: حَتَّى تَقِیْمُوا التَّوْرَاتَ وَ الْإِنْجِیْلَ، (۱۳) و در بسیاری از جاهای قرآن: أَقِیْمُوا الصَّلَاةَ، (۱۴) و موارد دیگر که «قیام‌الله» باید به اقامه‌ی این امور منتهی بشود؛ هدف از «قیام‌الله» این است.

خب، حالا ما گفتیم امام، مبارز بودند؛ این به معنای حضور دائمی امام در میدان «قیام‌الله» است. به معنای واقعی کلمه امام مراقب «قیام‌الله» بود. اقامه‌ی حق و عدل طبعاً هدف امام بود؛ خب این هدف چه جور ممکن است به تحقق بپیوندد؟ اقامه‌ی حق و عدل هدف امام بود، اما آیا در زیر سقف نکبت‌بار حکومت پهلوی یا هر حکومت وابسته‌ای میشود اقامه‌ی حق و عدل کرد؟ طبعاً نه؛ پس هدف بعدی این میشود که انسان این سقف را بشکافد. امام دنبال این حرکت بود که این سقف نکبت‌بار حکومت پهلوی را از روی سر این ملت بردارد، برطرف کند و میدان را برای حرکت اینها و قیام اینها و پیشرفت اینها فراهم بکند: «فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم»؛ (۱۵) هم اثبات، هم نفی؛ اول نفی آن رژیم طاغوتی، بعد اثبات یک عرصه‌ی سیاسی مطلوب که مردم را به پیش ببرد. خب این حرکت امام در نفی و اثبات بود

در حرکت عظیم امام چند نقطه‌ی نمایان وجود داشت: اولاً ترس در او نبود. امام ترس نداشت، مجامله (۱۶) نمیکرد؛ صراحت داشت، زبان گویا داشت، این مال دوران نهضت است؛ چه در قم، چه در نجف، با مردم حرف میزد، به طور دائم برای مردم تبیین میکرد، راهنمایی میکرد. حقیقتاً زبان او یک ذوالفقار قاطعی بود که این کار را این بزرگوار این جور پیش برد؛ صریح بود

به مردم اعتماد داشت؛ یکی از خصوصیات مهم امام، اعتماد به مردم بود از روز اول. بودند کسانی که دلشان میخواست مبارزه کنند، لکن میگفتند مردم دنبال ما نمی‌آیند؛ [اما] امام نه، امام از روز اول معتقد بود که اگر

به عنوان یک دولت به دولتهای دیگر، به ملتهای دیگر، نه ظلم میکنیم و نه از آنها ظلم میپذیریم؛ هم زور نمیگوییم، هم تسلیم زور نمیشویم؛ هم علم و دانش را و اقتصاد کشور را تقویت میکنیم، هم دفاع کشور را تقویت میکنیم؛ یعنی این جور نیست که فقط به فکر اقتصاد باشیم، از دفاع کشور و امنیت کشور غافل بمانیم؛ عکسش هم همین جور. هم انسجام و وحدت ملی باید رعایت بشود، هم تنوع آراء و گرایشهای مختلف سیاسی باید به رسمیت پذیرفته بشود؛ این هم یک دوگانهی دیگر. هم تقوا و طهارت مسئولان لازم است، هم کارشناسی و کاربلدی مسئولان لازم است؛ تعهد و تخصص در کنار هم. ببینید، اینها دوگانههایی است که کسانی در اول انقلاب یا پیش از انقلاب سعی میکردند که اینها را در مقابل هم قرار بدهند، امام این دوگانهها را هماهنگ کرد، همساز کرد، در کنار هم قرار داد. اینها خصوصیات مکتب امام است.

خب اینجا ممکن است شما یک سؤالی بکنید؛ سؤال کنید که این مکتبی که امام طراحی کرد، در زمان خود امام یا بعد از امام چقدر تحقق پیدا کرد؟ این سؤال مهمی است؛ این سؤالی است که در دنیا هم ممکن است از ما بکنند. پاسخی که من میدهم از روی اطلاع و دقت در حقایق کشور؛ جواب من این است که میگوییم ما در همهی این سرفصلها موفقیتهای بزرگی پیدا کردهایم؛ اگر کسی موفقیتها را انکار کند، قطعاً بیانصافی کرده؛ در همهی اینها، هم در زمینهی مردمسالاری، هم در زمینهی پیشرفتهای علمی، هم در زمینهی مسائل دیپلماسی، هم در زمینهی موقعیت کشور در دنیا، هم در زمینهی اقتصادی، هم در زمینهی خدمات عمومی، ما پیشرفتهای بسیار زیادی داشتهایم.

البته ناکامیها هم کم نداشتهایم؛ هم پیشرفت داشتهایم،

دوی اینها جمهوری اسلامی را جدا کند؛ لذا یکی از شعارهای اصولی امام شعار «نه شرقی، نه غربی» بود؛ نه کمونیسم، نه لیبرالیسم؛ نه آن نظام سرمایه‌داری در اقتصاد و آن آزادی‌های بی‌بندوبار و بی‌برنامه در غرب، نه آن اختناق و استبدادی که در نظامهای شرقی وجود داشت؛ هیچ کدام از این دو را امام قبول نداشت؛ نه شرقی و نه غربی؛ یک الگوی تازه‌ای را امام مطرح کردند برای نظام جمهوری اسلامی، بکلی متفاوت با آنها.

در الگوی امام، دوگانه‌هایی با همدیگر هماهنگ و همساز شدند؛ این دوگانه‌هایی که سعی میشده همیشه در مقابل هم قرار بگیرند، در الگوی امام با هم همساز شده‌اند؛ هم معنویت — معنویت دینی — هم رأی مردم؛ هم معنویت، هم رأی مردم؛ همیشه سعی میشده که این دو در مقابل هم باشند، اما در مقابل هم نگرفتند؛ امام اینها را در کنار هم قرار داد.

اجرای احکام الهی در کنار رعایت اقتضائات و مصلحت‌های عمومی. این مجمع تشخیص مصلحت را امام تشکیل دادند؛ بعضی‌ها خیال میکنند این را بنده تشکیل دادم؛ نه، بنده رئیس‌جمهور بودم، امام به من نامه نوشتند و این جلسه را امام برای تعیین مصلحت به وجود آوردند؛ احکام اسلامی اجرا میشود، اما اقتضائات زمان و مصالح عمومی جامعه هم باید رعایت بشود؛ مراد از مصلحت این است؛ مصلحت اشخاص نیست.

مسئله‌ی رعایت حال ضعفا و اصرار بر عدالت اقتصادی — عدالت اقتصادی بالخصوص — در کنار تولید ثروت؛ هم تولید ثروت مجاز است، هم حتماً بایستی عدالت در کشور رعایت بشود و حال ضعفا مورد رعایت قرار بگیرد؛ هم نفی ظلم، هم نفی انظلام، ظلم‌پذیری. به عنوان یک حکومت،

دولتی که این صفات نکوهیده در او هست، با شما دشمن میشود؛ جمهوری اسلامی این است. شما میگویید ما اهل معنویتیم، آن کسانی که با معنویتِ آحاد مردم دشمنند، با شما مخالف میشوند. جمهوری اسلامی میگوید ما با منکرات مخالفیم، آن کسانی که با منکرات خو گرفته‌اند، دنبال منکراتند و نمیتوانند جدا بشوند از منکرات، طبعاً با جمهوری اسلامی مخالف میشوند؛ این چیز طبیعی‌ای است. جبهه‌ی دشمن و دشمنی‌ها را نباید ندیده گرفت

البته این دشمنی‌ها انواع و اقسامی داشت؛ همان روزهای مشرف به پیروزی انقلاب، آمریکایی‌ها ژنرال (۱۹) خودشان را فرستادند تهران برای کودتا، که الحمدلله ناکام و مایوس برگشت. در بسیاری از مسائل دیگر هم، آمریکایی‌ها و دشمنان، ناکام و مایوس شدند؛ این فاصله‌گذاری امام، فاصله‌گذاری جدی امام با غربی‌ها طبعاً دشمنانی را به وجود می‌آورد؛ نمیگذاشت آنها دخالت کنند. سفارت فلسطین را، دفتر فلسطین را که [دست] غاصب (۲۰) است، از او گرفتند دادند به فلسطینی‌ها که مالک فلسطینند؛ خب این طبعاً دشمنی به وجود می‌آورد؛ این قهری است

جوانهای ما این را توجه کنند: غربی‌ها سه قرن دنیا را غارت کردند؛ سه قرن! دنیا را غارت کردند. از شرق آسیا، از اندونزی، از فیلیپین، از نپال، از شبه‌قاره‌ی هند بگیرد تا آسیای مرکزی و آسیای غربی و تا شمال آفریقا، بخشهای مغرب آفریقا و تا سرتاسر آفریقای سیاه؛ غربی‌ها سه قرن اینها را غارت کردند؛ به اینجا اکتفا نکردند، آمریکای جنوبی را هم دست گذاشتند، آنجا را هم غارت کردند؛ قاره‌ی آمریکا را! قاره‌ی آمریکا هم صاحبانی داشت، تمدنی داشت، ملت‌هایی داشت؛ اینها با حیل‌های گوناگون — که همه‌ی اینها در تاریخهای دقیق مشخص

هم ضعف و ناکامی داشته‌ایم. در اینجا هم امام ما را راهنمایی حکیمانه کرده؛ در همین مورد هم، راهنمایی امام دستگیر ما است. امام در سال آخر عمرشان خطاب به فرزندان شهدا یک بیانی دارند؛ (۱۸) امام این جور میگویند: «کارنامه‌ی شما در گرو تلاش و مجاهدت شما است». هر چه تلاش کنید، هر چه مجاهدت کنید، محصولش را جمع خواهید کرد. دنباله‌ی فرمایش امام است: «زندگی در دنیای امروز زندگی در مدرسه‌ی اراده است»؛ تابع اراده است. هر جا ملت و مسئولین، با اراده‌ی قوی وارد میدان بشوند، موفقیت است؛ هر جا اراده‌ها سست بشود، تلاش کم بشود، عقب‌ماندگی هست. بله، ما عقب‌ماندگی هم داریم، پیشرفت هم داریم؛ این مربوط به خود ما است. ما بودیم، ما مسئولین بودیم، آحاد گوناگون موثر جامعه بودند که یک جا خوب عمل کردند، در آنجا موفقیت به دست آمد؛ یک جا کوتاهی کردیم، تنبلی کردیم، کم آوردیم، طبعاً عقب ماندیم؛ این را اصلاً نمیشود انکار کرد. مکتب درست است، نقشه درست است، راه درست است؛ راهرو بایستی درست حرکت بکند. ما هر جا درست حرکت کردیم پیش رفتیم، هر جا کوتاهی کردیم و تنبلی کردیم، عقب ماندیم؛ مثالها هم در این سالها زیاد است؛ هم در زمان خود امام، هم بعد از رحلت امام تا امروز.

البته نقش دشمنی دشمنان هم نباید نادیده گرفته بشود. جبهه‌ی گسترده‌ی دشمن از اول انقلاب وارد میدان شد

بعضی خیال میکنند ما دشمنها را وادار به دشمنی کردیم؛ نه، ذات جمهوری اسلامی که میگوید با ظلم مخالف است، به طور طبیعی ظالم را با خودش مخالف میکند. مگر شما نمیگویید ما با استکبار مخالفیم، با ظلم مخالفیم؟ خیلی خب، هر کسی که مستکبر است، هر کسی ظالم است، هر

من درباره‌ی همین مسئله‌ی طمعهای دشمنان، نقشه‌های دشمنان، توطئه‌های دشمنان، خوابهای آشفته‌ای که دشمنان برای ملت ایران می‌بینند، یک نکته‌ی مهمی را عرض بکنم که به نظر من مهم است. دو جزء دارد این نکته؛ یکی این است که امروز مهم‌ترین امید دشمنان برای ضربه زدن به کشور، امید بستن به اعتراضات مردمی است. امیدشان به این است که بلکه بتوانند با کار روانی، با فعالیت‌های اینترنتی و فضای مجازی و انواع و اقسام اینها، با پول، با مزدورپروری، مردم را در مقابل نظام اسلامی و جمهوری اسلامی قرار بدهند؛ این جزء اول از این مطلب، از این نکته؛ جزء دوم هم این است که این محاسبه‌ی دشمن، در این مسئله هم مثل بسیاری از محاسبات دشمن غلط است. در اول انقلاب وعده میدادند که جمهوری اسلامی شش ماه بیشتر عمر نخواهد کرد و سقوط خواهد کرد؛ بعد، این شش ماه که میگذشت، شش ماه تمدیدش میکردند میگفتند شش ماه دیگر! از این شش ماهه‌ها بیش از هشتاد شش ماه گذشته، جمهوری اسلامی که آن روز یک نهال باریک بود، یک درخت تناور و ریشه‌داری شده، روزه‌روز قوی‌تر و مقتدرتر هم شده. محاسبه‌شان آنجا غلط بود، اینجا هم غلط است. این محاسبه هم مثل همان محاسبات است؛ مثل محاسبه‌شان در قضیه‌ی جنگ تحمیلی؛ به صدام کمک کردند به خیال اینکه در ظرف چند روز جمهوری اسلامی را ساقط کند؛ کودتاگران را کمک کردند به امید اینکه بتوانند یک غلطی بکنند؛ همه‌ی اینها محاسباتی بود که آمریکایی‌ها و غربی‌ها کردند و همه غلط بود. امروز هم این محاسبه غلط است که خیال کنند میتوانند ملت ایران را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند، میتوانند در مقابل جمهوری اسلامی عاملی را قرار بدهند که میدانند جمهوری اسلامی به آن عامل خیلی اهمیتی میدهد و آن، عامل مردم است

است؛ کتاب بخوانید ان‌شاءالله، این حقایق را بیشتر از نزدیک درک کنید — فاجعه آفریدند؛ قتل، غارت، کشتار جمعی، شکنجه، فشار، برده‌گیری، برده‌داری؛ این کارها را غربی‌ها کردند. در این سه قرن، در همان حالی که غربی‌ها در عمل این جور مشغول جنایت بودند، روشنفکرانشان و متفکرانشان برای دنیا قانون حقوق بشر کشف میکردند و وضع میکردند! یعنی این تناقض در عمل و قول، این ریاکاری غربی‌ها [مشهود است]. در عمل آن جور، در زبان این جور؛ کشورهای اروپایی، بعد هم آمریکا به معنای واقعی کلمه در سرتاسر دنیا انواع و اقسام جنایتها را انجام دادند. خب اینها شاهکارهای تمدن غرب است؛ اینها شاهکارهای تمدن غرب است

امام این چیزها را خوب می‌شناخت، خوب میدانست. یکی از مسائل اساسی‌ای که امام بر آن اصرار داشتند، ایجاد فاصله و ایجاد مرز بین تفکر و سبک زندگی اسلامی و نظام اسلامی با نظامهای غربی بود که این جزو مسائل اصلی امام است

یک امتیاز بزرگ امام این بود که ملت را با مفهوم مقاومت آشنا کرد. ملتها در موارد زیادی اتفاق می‌افتد که دنبال یک کاری هم هستند اما قدرت مقاومت ندارند؛ وقتی فشار وارد می‌آید، عقب‌نشینی میکنند. امام ملت ایران را این جور بار آورد، این جور تقویت کرد: مقاومت را، ایستادگی را به این ملت تزریق کرد؛ لذا ملت ایران امروز یک ملت کاملاً مقاوم و کاملاً مستحکم است

خدا را شکر! این هم از برکات امام بزرگوار است و عنوان «مقاومت» امروز در ادبیات سیاسی دنیا وارد شده؛ این مقاومتی که امام به ملت ایران و به همه‌ی ما یاد داد، امروز یکی از واژه‌های برجسته‌ی در ادبیات سیاسی دنیا است.

صافی گلیپایگانی یک مرجع تقلید بود، یک فقیه بود؛ شما ببینید در تشییع جنازه‌ی این مرد چه حرکت عظیمی مردم نشان دادند. مرحوم آیت‌الله بهجت، یک فقیه عارف و معنوی بود؛ در تشییع جنازه‌ی او، در بدرقه‌ی او به سوی بهشت، مردم قم، قم را لبریز از احساسات کردند؛ از جاهای مختلف دیگر هم به قم رفتند برای تشییع. شما به من بگویید در بین آحاد برجسته‌ی کشور، از سیاسی، از هنرمند، از ورزشکار و دیگر چهره‌ها چه کسی هست که وقتی از دنیا برود، مردم این جور برایش احساسات به خرج میدهند؟ این نشانه‌ی چیست؟ این نشانه‌ی بی‌اعتقادی مردم به روحانیت است؟ این نشانه‌ی بی‌اعتقادی مردم به دین و به جهاد و به مقاومت است؟ تحلیل‌هایشان این جور است؛ این جوری تحلیل میکنند.

شما ببینید در همین سرودی که این روزها پخش شده که اظهار ارادت به ولی‌امر، ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف و روحنا فداه) و سلام به حضرت بقیة‌الله است، مردم چه کار دارند میکنند؛ چه اظهار شوقی، چه همراهی‌ای، چه اظهار ارادت‌ی! پیر، جوان، نوجوان، کودک، زن، مرد، همه، در سرتاسر کشور، در تهران یک جور، در مشهد یک جور، در اصفهان یک جور، در یزد یک جور، در شهرهای مختلف یک جور؛ این دلیل چیست؟ این دلیل روگردانی مردم از دین است؟ یا بعکس. ما اول انقلاب این جور چیزها را نداشتیم؛ ما اول انقلاب هجوم دانشجویان جوان به سمت مراکز اعتکاف را نداشتیم، این اجتماعات عظیم مذهبی را نداشتیم؛ امروز اینها هست؛ نخیر، درباره‌ی ملت ایران اشتباه کردند. یا راه‌پیمایی‌های بیست‌ودوم بهمن؛ ۴۳ سال است که در بیست‌ودوم بهمن و در روز قدس، مردم راه‌پیمایی میکنند با این عظمت! این دلیل روگردانی مردم از انقلاب است؟ این دلیل

این اشتباه را آمریکایی‌ها چرا میکنند؟ چون مشاورینی دارند که آن مشاورین، ایرانیان خائنی هستند که به آنها مشورت میدهند. این مشاورین خیانتکار، خب به کشور خودشان که خیانت میکنند، اما در واقع به آنها هم خیانت میکنند؛ چرا؟ چون بدون اطلاع صحیح به آنها مشورت میدهند؛ آن بیچاره‌ها هم طبق مشورت اینها عمل میکنند، شکست میخورند. یکی از حرفهای آنها، از مشورت‌های آنها همین است که «شما روی ملت ایران برای مقابله‌ی با نظام اسلامی و جمهوری اسلامی حساب کنید؛ ملت ایران از دین، از نظام اسلامی، از روحانیت زده شده‌اند؛ میتوانید روی اینها حساب کنید، اینها می‌ایستند در مقابل نظام اسلامی»؛ این مشاورین ناآگاه و خائن — خائن به هر دو طرف — این را به اربابان آمریکایی‌شان میگویند؛ پول میدهند، آنها هم همین را تحلیل میکنند، در صحبت‌هایشان میگویند، در مجلس سنایشان میگویند، در جاهای مختلف این را تکرار میکنند، در داخل هم یک عده آدم ساده‌لوح — البته خوشبختانه تعداد معدود — قبول میکنند؛ گاهی می‌شنویم در نوشته‌های اینترنتی یا در رسانه‌ها و روزنامه‌ها که اظهار نظر میکنند که بله، مردم نسبت به روحانیت بی‌اعتقاد شده‌اند، نسبت به دین بی‌اعتقاد شده‌اند؛ اینها را اینجا در داخل هم می‌شنویم. خب، این یکی از آن محاسبات صد درصد غلط است؛ امروز گرایش مردم به انقلاب و به دین از روز اول انقلاب یقیناً بیشتر است. اگر کسی میخواهد گرایش مردم به انقلاب و مبارزات و مجاهدتها را بفهمد، به تشییع میلیونی شهید قاسم سلیمانی نگاه کند. بدن قطعه‌قطعه‌شده‌ی شهید سلیمانی به وسیله‌ی میلیون‌ها انسان بدرقه شد؛ یک فرد انقلابی، یک فرد مبارز و مجاهد که برای جمهوری اسلامی جان خودش را کف دستش گرفته بود؛ مردم این جور از او بزرگداشت و احترام کردند؛ این یک نمونه؛ نمونه‌های دیگر هم زیاد دارد؛ [مثلاً] علما. مرحوم آیت‌الله

ماهوره‌ها به این شکل بود؛ آنجا امام میگفت که دشمن با قلم با شما مبارزه میکند؛ با قلم. امام متوجه بود. امروز بحث قلم نیست، امروز بحث فضای مجازی است، بحث ماهواره‌ها است؛ جنگ روانی است؛ جنگ روانی همه‌گیر و همه‌جایی. نگذارید جنگ روانی دشمن در کشور تأثیر بگذارد. ببینید! حالا یک نمونه‌ی کوچک جنگ روانی را من بگویم. نفت ایران را در سواحل یونان دزدی میکنند، میدزدند — نفت ما را دزدیدند — بعد دلاوران از جان گذشته‌ی جمهوری اسلامی جبران میکنند و کشتی نفتی دشمن را ضبط میکنند، او در تبلیغات سراسری فراگیر و امپراتوری رسانه‌ای، ایران را به دزدی متهم میکند! چه کسی دزد است؟ شما نفت ما را دزدیدید؛ ما از شما پس گرفتیم؛ پس گرفتن مال دزدی که دزدی نیست. شما دزدید. آمریکایی‌ها به دولت یونان دستور میدهند، دولت یونان هم عمل میکند، نفت ما را میدزدد. خب اینها جنگ روانی است؛ با این جنگ روانی — که امثال اینها هر روز موارد متعددی اتفاق می‌افتد — مقابله کنید. توصیه‌ی بعدی: از سرمایه‌ی ایمان مردم برای تولید عمل صالح بهره بگیرید. مردم، مؤمنند، مردم ایمان دارند؛ این ایمان میتواند عمل صالح تولید کند؛ این کار را شما میتوانید بکنید؛ که امام بزرگوار ما استاد بی‌نظیر این کار بود؛ امام، استاد بی‌نظیر استفاده‌ی از ایمان مردم برای تولید عمل صالح بود.

توصیه‌ی بعدی: نگذارید کسانی این جور وانمود کنند که کشور به بن‌بست رسیده. الان در فضای مجازی کسانی کارشان همین است — حالا آیا از روی غفلت میکنند یا پول میگیرند، من میدانم — میخواهند وانمود کنند کشور به بن‌بست رسیده؛ نه، کشور به بن‌بست نمیرسد. زمان امام هم همین اتفاق افتاد. آن وقت هم کسانی در روزنامه‌هایشان نوشتند که کشور به بن‌بست رسیده، امام گفتند نه، شما به بن‌بست رسیدید؛ جمهوری اسلامی به

وفاداری مردم است، این دلیل مقاومت مردم است، این دلیل ایستادگی مردم است، این دلیل تأثیر درس امام در این ملت بزرگ و بزرگوار است

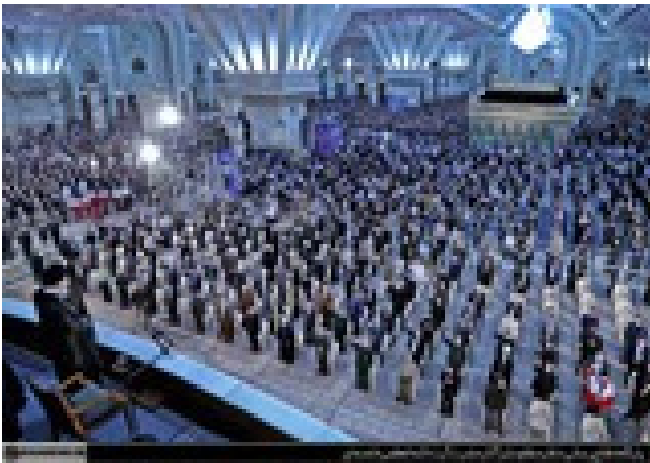
در پایان عرایض میخواهم چند توصیه بکنم به فعالان عرصه‌ی انقلابی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ افراد فعال، چه جوانان و چه دیگران، چند توصیه میخواهم عرض بکنم

یک توصیه این است که نگذارید ضدانقلاب و دشمن از انقلاب شما هویت‌زدایی کند؛ نگذارید حقیقت انقلاب را واژگونه نشان بدهد، غلط نشان بدهد؛ این یک توصیه است، توصیه‌ی مهمی است؛ جوانهای هوشمند و فرزانه روی این فکر کنند

توصیه‌ی بعدی: نگذارید یاد امام در جامعه کم‌رنگ بشود. همان طور که گفتم، امام روح این انقلاب است؛ نگذارید یاد امام را کم‌رنگ کنند، نگذارید امام را تحریف کنند

توصیه‌ی بعدی: نگذارید رده‌های ارتجاع در کشور نفوذ کنند و جاگیر بشوند. «مرتجع» یعنی چه؟ ما وقتی میگوییم «مرتجع»، ذهن بعضی‌ها میرود به کسی که یک عرقچینی بر سرش است؛ نه، مرتجع آن کسی است که در سیاست و سبک زندگی، تابع سیاست و سبک زندگی غربی است؛ این مرتجع است. این [وضع] در کشور ما بود؛ در دوران حاکمیت فاسد و وابسته‌ی پهلوی، سبک زندگی غربی در کشور بود، انقلاب آمد آن را پس زد؛ هر کس به آن برگردد مرتجع است. ممکن است این شخصی که مرتجع است تی‌شرت و شلوار لی و پاپیون و اودکلن فرانسوی هم بزند، اما مرتجع است. هر کسی که به سمت زندگی و فرهنگ و سبک زندگی غربی برود، او مرتجع است. نگذارید کشورتان به سمت ارتجاع برود؛ نگذارید ارتجاع در بدنه‌ی کشور جاگیر بشود و نفوذ کند

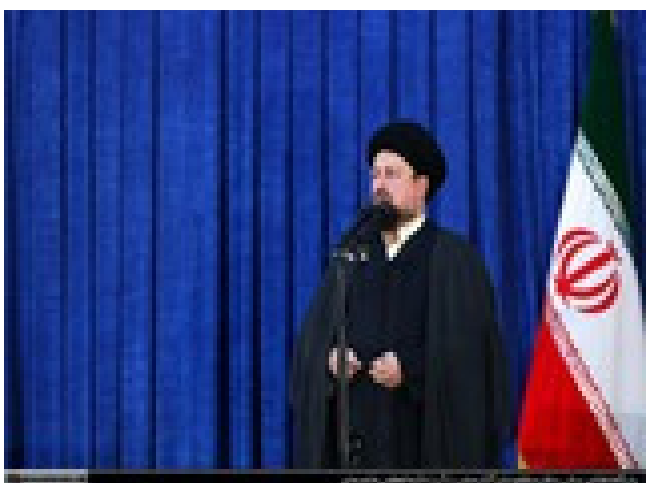
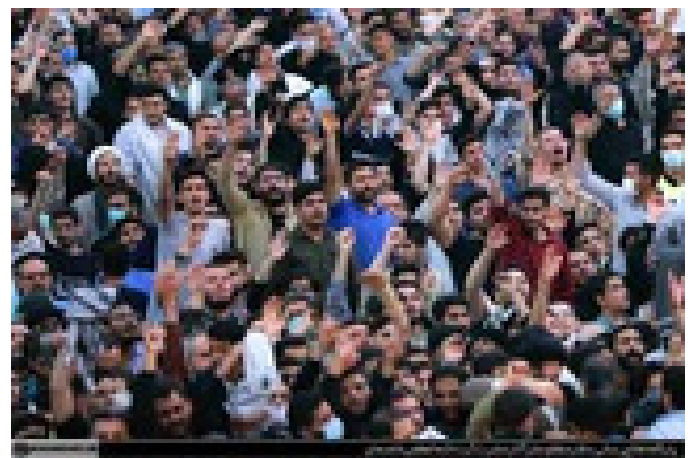
توصیه‌ی بعدی: دروغ و فریب و جنگ روانی دشمن را افشا کنید. یک روزی بود زمان امام، نه اینترنت بود، نه



بن بست نمیرسد. گفتند شما به بن بست رسیدید؛ (۲۱) واقعه هم همین است. نگذارید مردم را مأیوس کنند. توصیه‌ی بعدی: امام در یک مواردی، در خلوت یا جلوت به مجریان نهیب میزد؛ گاهی در علن، گاهی هم در جلسات خصوصی؛ اما در مواردی هم صریحاً قدرشناسی میکرد. موارد متعددی داریم که امام با صراحت از مسئولین کشور — یا از یک نفر، یا از مجموعه‌ای از مسئولین — قدرشناسی کرده. توصیه‌ی من این است، امروز که دشمن در صدد تخریب مسئولان انقلابی است، وظیفه‌ی قدرشناسی وظیفه‌ی سنگینی است؛ باید از مسئولین قدرشناسی کرد. اینکه انسان میبندد در قضیه‌ی آبادان یک وزیر سه چهار روز، شبانه‌روز بر سر آن کار می‌رود، خودش می‌ایستد، این خیلی کار مهمی است؛ اینکه رئیس‌جمهور محترم یا معاون او می‌روند با آسیب‌دیدگان قضیه ملاقات میکنند، به آنها تسلا میدهند، به دل‌های آنها آرامش میدهند، اینها خیلی باارزش است؛ از اینها باید قدرشناسی بشود. البته عاملان خرابکاری‌ها هم بایستی مجازات بشوند؛ هم در همین قضیه‌ی آبادان، هم در هر قضیه‌ی دیگری، آنهایی که عامل خرابکاری هستند، باید البته مجازات بشوند.

پروردگارا! تو را به ارواح مطهر شهدای عزیزمان و به روح مطهر امام سوگند میدهم که ما را جزو پیروان راه حق و حقیقت جمهوری اسلامی قرار بده. پروردگارا! از تو میخواهیم که گام‌های ما را و گام‌های ملت ما را در این راه ثابت بدار. شنیدم، به من خبر دادند که امروز در اثنای سخنرانی جناب آقای حاج حسن آقای خمینی کسانی سر و صدا کردند؛ بنده با این کار مخالفم، با این نوع تخریب کردن‌ها و سر و صدا کردن‌ها بنده موافق نیستم، من مخالفم؛ این را همه بدانند. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال همه‌ی ما را به راه راست هدایت کند

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته





بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت یار دیرین امام و انقلاب و خدمتگزار متعهد و دلسوز حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمود دعایی موجب تاجر و اندوه فراوان گردید. اخلاص، تواضع، ساده‌زیستی، پایبندی و پایداری بر ارزش‌های انقلاب و نظام اسلامی و اخلاق‌مداری در عرصه رسانه و خبر از جمله ویژگی‌های ارزشمند این انسان فرهیخته بود که در سایه آن توانست سالیان متمادی در نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی موسسه اطلاعات و در دیگر سنگرهای مهم خدمتگزاری همچون شش دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی منشا خدمات بسیار شود.

اینجانب با ارج نهادن به خدمات صادقانه این چهره فرهنگی، مصیبت وارده را به خانواده مکرم آن مرحوم، رهبر معظم انقلاب، جامعه رسانه‌ای کشور و عموم دوستدارانش تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای ایشان علو درجات و همجواری با جد بزرگوارش و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسالت دارم.

سیدابراهیم رئیسی

«رئیس‌جمهوری اسلامی ایران»



بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت مبارز قدیمی و یار دیرین امام بزرگوار جناب حجت‌الاسلام آقای سیدمحمود دعائی رحمه‌الله‌علیه را به خاندان گرامی بویژه همسر و فرزندان مکرم و نیز مجموعه‌ی بزرگ دوستداران و همکاران ایشان تسلیت عرض می‌کنم. ایشان برخوردار از صفات نیک و پسندیده‌ئی بودند: صفا و سلامت نفس، فروتنی و ساده‌زیستی، پاکدستی و قناعت، ارادت عمیق و راسخ به امام بزرگوار و انقلاب و پایداری و وفا در دوستی و رفاقت. گذشته‌ی ایشان در عراق و ایران در دوران مبارزات هم فصل مُشبع دیگری است که موجب رحمت و مغفرت الهی است ان‌شاءالله. از خداوند متعال تفضلاتش را برای آن مرحوم «مسألت می‌کنم»

سیدعلی خامنه‌ای ۱۶ خرداد ۱۴۰۱





انا لله و انا اليه راجعون

خبر درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی موجب تأثر و تاسف خاطر اینجانب گردید.

آن مرحوم در دوران مبارزه حضرت امام خمینی (ره) با رژیم طاغوت بویژه در دوران حضور ایشان در نجف اشرف، از همراهان و ملازمان بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی بوده و پس از پیروزی انقلاب نیز در مسئولیت‌هایی همچون نمایندگی مجلس شورای اسلامی و مدیریت موسسه اطلاعات، منشأ خدمات با روحیه ساده زیستی و مردم داری بودند.

اینجانب ضمن تسلیت به خانواده محترم دعایی و سایر بستگان مُعزّا برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت دارم.

غلامحسین محسنی اژه‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم»

انا لله و انا اليه راجعون

درگذشت روحانی وارسته و متواضع حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود دعایی، نماینده ولی فقیه در موسسه مطبوعاتی اطلاعات از سال ۵۹ و نماینده شش دوره مجلس شورای اسلامی موجب تاسف و تأثر گردید. این شخصیت بزرگوار از علاقمندان و همراهان قدیمی حضرت امام (ره) در دوران مبارزات ستمشاهی و از فعالین سیاسی پیش از انقلاب در داخل و در کشورهای منطقه بودند و پس از پیروزی انقلاب بعنوان خدمتگزاری مردم‌دار، ساده‌زیست و دلسوز در عرصه‌های مختلف حضور داشتند.

اینجانب ضمن عرض تسلیت فقدان آن بزرگوار به روحانیت محترم، همکاران در موسسه اطلاعات، دوستداران و بیت مکرم، برای ایشان رحمت و رضوان الهی و علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسألت می‌کنم

با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن



امسال دهه کرامت اول تا یازدهم ذی القعدة با شعار «خدمت کریمانه؛ جهاد عالمانه» برگزار شد

عنوان روز چهارشنبه ۱۱ خرداد به مناسبت ولادت حضرت معصومه (س)، «دختران فاطمی؛ نور چشم اهل خانه» است که مخاطب خاص این روز دختران (دختر در بستر خانواده) اعلام شده است

پنجشنبه ۱۲ خرداد «خانواده تمدن‌ساز؛ کانون محبت و کرامت» نام گرفته و مخاطبان این روز مادران و پدران (ستون‌های خانواده) هستند

جمعه ۱۳ خرداد به مناسبت سالروز سخنرانی امام خمینی (ره) در قم، «عالمان آگاه؛ تکیه‌گاه محرومان» نام گرفته است که مخاطبان این روز توانیابان و مددجویان خواهند بود

شنبه ۱۴ خرداد به مناسبت رحلت امام خمینی (ره) مخاطبان و جامعه هدف (مدیران و مسئولان) خواهند بود و عنوان این روز (امام خمینی رحمت الله علیه؛ هادی امت در مسیر کرامت) اعلام شده است

یکشنبه ۱۵ خرداد مصادف با روز بزرگداشت امام‌زادگان و بقاع متبرکه و همچنین قیام پانزده خرداد، (امامزادگان علیه‌السلام؛ محور بصیرت، جهاد، شهادت) عنوان گرفته است و مخاطبان این روز زائران بر محور (جریان گردشگری زیارت در کشور و بین الملل) خواهند بود

دوشنبه ۱۶ خرداد به مناسبت روز بزرگداشت حضرت شاهچراغ علیه‌السلام به عنوان (حضرت احمد بن موسی الکاظم علیه‌السلام؛ امین ولایت، اسوه مدافعان ولایت) نامیده شده است و مخاطبان این روز نیروهای نظامی و انتظامی هستند

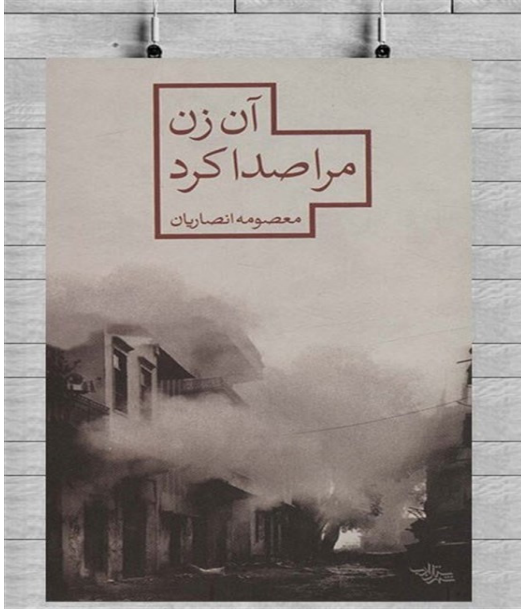
روز سه‌شنبه ۱۷ خرداد (نوجوانان و جوانان؛ طلایه‌داران گام دوم انقلاب) عنوان گرفته و مخاطبان این روز دانش‌آموزان نوجوان و دانشجویان هستند

چهارشنبه ۱۸ خرداد (مساجد و تشکل‌های دینی؛ پایگاه جهاد تبیین) نام گرفته و مخاطبان این روز تشکل‌های مردمی خواهند بود

پنجشنبه ۱۹ خرداد (مدیریت مردمی و انقلابی؛ محور کرامت و عزت) نام گرفته و مخاطبان این روز کارگران و کارمندان هستند

جمعه ۲۰ خرداد (تحقق جامعه مهدوی در پرتو خدمت رضوی) نام گرفته است و مخاطبان این روز تولیدگران دانش‌بنیان هستند

همچنین روز شنبه ۲۱ خرداد مصادف با ولادت امام رضا (ع) (عالم آل محمد (ص)؛ امام رأفت و کرامت) نامگذاری شده است و جامعه علمی کشور مخاطبان این روز هستند



ه گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، کتاب «آن زن مرا صدا کرد»، نوشته معصومه انصاریان، به تازگی توسط انتشارات شهرستان ادب در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. در معرفی این کتاب آمده است: سال ۱۳۵۹ ایران را تصور کنید. شهرهای جنوب و غرب ایران، زیر آتش حمله‌های هوایی دشمن می‌سوزد و فریاد استمداد مردم جنگ‌زده به جایی نمی‌رسد. «آن زن مرا صدا کرد»، کتابی است مربوط به پاییز همان سال و شهر اهواز، یعنی یکی از همین شهرهای شعله‌ور.

داستان، داستان زنی است به نام «مرضیه» که در تهران زندگی می‌کند و خبری درباره جنگ می‌شنود. خبر این است که زن جوانی نیمه‌شب با صدای آژیر حمله هوایی از خواب بیدار شده است و دست‌پاچه، بالش را به جای کودکش در آغوش کشیده و از خانه بیرون زده است. تازه پس از اصابت موشک به خانه‌اش، می‌بیند که چه اشتباه بزرگی کرده و چه مصیبتی بر سرش آمده است.

آن زن مرا صدا کرد» داستان مرضیه است پس از شنیدن خبر و احساس فراخوانده شدن. دیگر آشفتگی اجازه نمی‌دهد به زندگی عادی‌اش ادامه دهد و عزم جزم می‌کند برای رفتن به اهواز و یاریگری ... مردمانش



یاسر احمدوند، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، با اشاره به در دسترس قرار گرفتن ارز کاغذ گفت: شرکت‌های واردکننده به بانک معرفی شدند، ارز را دریافت کردند و بر اساس آن ثبت سفارش انجام شده است و منتظر دریافت محموله‌ها هستیم.

وی با اشاره به رقم ارز دریافتی افزود: ۴۰ میلیون دلار ارز به حوزه نشر و مطبوعات اختصاص یافته است که از این میان ۲۰ میلیون دلار به حوزه نشر تعلق دارد.

احمدوند ادامه داد: شرکت‌های واردکننده در یک فرایند توسط نهادهای نظارتی و مرتبط انتخاب شدند. شرکت‌های مختلفی پس از انتشار فراخوان اعلام آمادگی کردند اما در نهایت سه شرکت انتخاب شدند و قرار است کاغذ را وارد کنند.

گزارش تصویری رهبری با دستاندرکاران حج



بیمه سامان
Saman Insurance



بیمتان نباشد
در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی
شما بیمه می شوید
تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

[@sayes_man](https://www.instagram.com/sayes_man) اینستاگرام [@totayar.ir](https://www.totayar.ir)

[@totayar](https://www.totayar.ir) **سروش و ایتا و آی گپ**

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayesman.ir

بیانات در دیدار کارگزاران حج

بلکه [جامعه‌ی بشری، آن هم نه در یک نسل، بلکه] در طول نسل‌های متمادی است. این احاطه‌ی علمی موجب شده است که خدای متعال به تناسب نیازهای بشر و زوایای گوناگون این نیازها این برنامه را در اختیار بشر قرار بدهد، این فرصت را به افراد بشر بدهد که از این استفاده کنند؛ حج یک چنین برنامه‌ای است. لذا شما ملاحظه می‌کنید خدای متعال در سوره‌ی مائده بعد از آن که برخی از احکام حج را بیان می‌کند، بعد می‌فرماید: ذَلِك لِّتَعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ؛ (۲) این چیزهایی که بر شما واجب کردیم، این کعبه و این هدی (۳) و این قلائد (۴) و مانند اینها، برای این است که شما بفهمید، علم پیدا کنید به احاطه‌ی علمی پروردگار؛ بدانید خدای متعال چگونه با اسرار و جزئیات زندگی شما آشنا است، بر اساس آنها برای شما حکم می‌گذارد.

خب چه جوری بفهمیم؟ با تدبّر؛ یعنی این جور هم نیست که همین جوری که انسان نگاه کند، همه چیز برایش روشن بشود؛ نه، باید فکر کند، تأمل کند، تدبّر کند، از دانش و اندیشه بهره بگیرد تا بفهمد که این هدی‌ای که آنجا قربانی میشود، این طوافی که انجام می‌گیرد، این وقوفی که در عرفات یا مشعر میشود و امثال اینها، چه تأثیری در زندگی بشر دارد. یعنی حج یک چنین برنامه‌ای است که خدای متعال با علم به زوایای نیازهای بشری، این برنامه را با این همه فروع و جزئیات برای بشر معین کرده، آن هم به صورت مستمر؛ یعنی این جور نیست که یک سال باشد، یک سال نباشد؛ نه، این مستمراً در همه‌ی این سالها وجود دارد، این برنامه خواهد بود ان‌شاءالله تا ابدالذّهر و ادامه خواهد داشت. خب، اگر بتوانیم از تدبّر لازم برخوردار بشویم در این زمینه، آن وقت می‌فهمیم که بهره‌مندی‌های انسان از حج چقدر است، و این بهره‌مندی‌ها چه گستره‌ی عظیمی از زندگی بشر را شامل میشود.

قرآن کریم درباره‌ی حج در یک جمله‌ی کوتاه تقریباً همه‌ی حکمت حج را بیان کرده که اگر چنانچه ما بتوانیم فکر کنیم، استفاده کنیم از بیانات معصومین، از تدبّر در



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا محمّد و آله الطّاهرين سيّما بقيّة الله في الارضين ارواحنا فداه.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مسئولان این حرکت بزرگ الهی و اسلامی حج در امسال. بشارت بزرگی بود که بعد از دو سال تعطیل، خدای متعال این باب را دوباره بر روی زائران ایرانی، مشتاقان ایرانی و دیگر برادرانی که در کشورهای دیگر هستند گشود. این دعوت الهی است که در را باز می‌کند، راه را به روی شما می‌گشاید؛ این لطفی از طرف کسی نیست؛ این قبول اشتیاق شما و حجاج محترم است از سوی پروردگار عالم. ان‌شاءالله که حج خوبی داشته باشید و با سلامت و امنیت و استجاب دعا و ان‌شاءالله کسب تفضلات الهی با دست پُر همه‌ی حجاج به سلامتی برگردید. از بیانات این دو برادر عزیز هم تشکر می‌کنم و اقداماتی که ذکر کردند که انجام گرفته، اقدامات باارزشی است.

یک کلمه‌ی کوتاه درباره‌ی حج عرض می‌کنم. حج، یک برنامه‌ی مدبرانه‌ی الهی است. همه‌ی برنامه‌های الهی مدبرانه است لکن این برنامه با زوایایی که دارد و خصوصیات که دارد و گستره‌ای که دارد، با همه‌ی برنامه‌های دیگر فرق می‌کند. این، نشان‌دهنده‌ی احاطه‌ی علمی حضرت حق (جلت عظمته) بر وجود انسان، بر دل انسان، بر نیازهای انسان و نه آن هم یک شخص انسان،

و لا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (۸) یعنی هیچ حق ندارید با هم درگیری پیدا کنید، مشکل پیدا کنید؛ همزیستی [باید کنید]؛ می‌بینید؟ یک قلم، همین همزیستی است. الان مشکلات بشر — نه فقط مشکلات مسلمانها — در دنیا از چیست؟ از این است که همزیستی بلد نیستند؛ به همدیگر زور می‌گویند، از همدیگر بدگویی میکنند، جای همدیگر را تنگ میکنند، به همدیگر ضربه می‌زنند. حج همزیستی را یاد میدهد؛ در یک برهه‌ی محدودی یک نمونه‌ای از همزیستی را به شما نشان میدهد، می‌گوید این جوری باید زندگی کنید

یک نمونه‌ی دیگر، تعلیم «ساده‌زیستی» است. احرام، مظهر ساده‌زیستی است دیگر؛ یعنی هیچ لباس زیادی در احرام وجود ندارد؛ فقط همین که بدن شما را بیوشاند؛ این ساده‌زیستی است. واجب نیست که شما در همه‌ی زندگی این جوری [لباس] بپوشید و با احرام زندگی کنید؛ نه، اما می‌خواهد بگوید که این کار را یاد بگیرید؛ یاد بگیرید که میشود ساده‌زیستی کرد و باید ساده‌زیستی را ترویج کرد. این هم باز مثل همان موضوع قبلی [یعنی] همزیستی است. اگر شما نگاه کنید، بسیاری از بدبختی‌ها و مشکلات عالم به خاطر این زیاده‌خواهی‌ها و اشرافی‌گری‌ها و تجمل‌پرستی‌ها و مانند اینها است؛ بخش عظیمی از ثروت عالم دارد صرف این چیزها میشود؛ [البته] در همه جا، حالا در کشور ما هم متأسفانه همین جور — در جاهای دیگر ده‌ها برابر، صدها برابر دارد صرف این چیزها میشود — [اما] اینجا موظفید به ساده‌زیستی؛ یعنی خصوصیت حج این است که وقتی می‌خواهد تعلیم بدهد، این جوری تعلیم میدهد؛ یعنی باید شما این چند روز را این جور ساده‌زیستی داشته باشید. این هم یک تعلیم است، سبک زندگی است

نکته‌ی بعدی [تمرین «اجتناب، پرهیز». از یک چیزهایی] باید ما در دنیا پرهیز کنیم، در زندگی باید پرهیز کنیم. بشر حریص است، بلد نیست پرهیز کردن را؛ اینجا درس پرهیز است، باید پرهیز کنیم؛ پرهیز از محرّمات احرام. همه‌ی چیزهایی که در احرام باید از آنها اجتناب بکنید چیزهای معمولی است اما باید پرهیز کنید. باید یاد بگیرید که اگر چنانچه یک حشره‌ای روی بدن شما است به او آسیب نزنید؛ خیلی کار سختی است دیگر. باید عادت

بعد [دارد] شهرالحرام، هُدَى و قلائد و امثال اینها — که مجموعه‌ی حج را می‌خواهد بیان کند، نه خصوص کعبه‌ی شریف را — همه‌ی اینها برای چیست؟ قیاماً للنّاس است. «قیام» در اینجا به معنای مصدری نیست. قیام را اهل لغت و اهل تفسیر معنا کرده‌اند و می‌گویند قیام در اینجا به معنای [ما يَقُومُ به الشّیء] است؛ [یعنی] ستون؛ یک بنائی تکیه به یک ستون میکند؛ به این می‌گویند [قیام]؛ آن ستون، قیام است. اینجا خدای متعال می‌گوید که حج، ستون زندگی بشر است؛ این خیلی مهم است. [قیاماً للنّاس] است؛ مال ناس است؛ مال من و شما و این و آن، چند نفر، تعداد یک نسل، یک جمعیت، یک مجموعه نیست؛ مال ناس است، مال بشریت است، قیام است برای بشر. این کلمه‌ی «قیام» دوبرار در قرآن به کار رفته؛ دو مرتبه این کلمه‌ی قیام در قرآن به کار برده شده: یکی درباره‌ی ثروت ملی است: لا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ (۶) این فقط اینجا است. اموال را، مال را در جامعه، ثروت را خدای متعال وسیله‌ی قیام جامعه قرار داده، و واقعه‌ی هم همین است دیگر؛ بدون مال و بدون ثروت که جامعه نمیتواند حرکت بکند. نیاز به ثروت و مال دارد؛ از لحاظ جنبه‌ی مادی، بشر احتیاج به آن دارد. یکی هم اینجا است: جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنّاسِ؛ اینجا هم قیام است

خب، اینجا قیام فقط جنبه‌ی مادی ندارد، البته جنبه‌ی مادی هم دارد: لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ؛ (۷) آن منافع، شامل منافع مادی هم هست اما بیش از این، منافع معنوی است، منافع رفتاری است، منافع اخلاقی است، یاد دادن سبک زندگی است؛ حج این است. آنچه شما در حج — یعنی در همین اعمال حج، مجموع اعمال حج — انجام میدهید، در مجموع به شما، یعنی به نسلهای پی‌درپی و متصل به هم تعلیم میدهد که بایستی ارکان زندگی‌شان را چه جوری انتخاب کنند؛ یک جا حرکت است، یک جا سکون است، یک جا پرهیز است، [یک جا] هم تعلیم همزیستی است

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حج هست، «همزیستی» است. افرادی که با هم هیچ آشنایی‌ای ندارند، با فرهنگهای مختلف، از جاهای مختلف، رنگ مختلف، زبان مختلف اینجا با همدیگر باید همزیستی کنند. فَلَا رَفْتٌ وَ لَا فُسُوقٌ

به صرف اینکه کسی ملتفت نیست، متوجه نیست، دست به طرف آن دراز نکنید. البته اینها نمونه‌ها است؛ از این قبیل فراوان است.

بنده در مورد طواف و در مورد وقوف و مانند اینها در سالهای گذشته زیاد صحبت کرده‌ام، دیگران هم بیش از ما و بهتر از ما صحبت کرده‌اند در این زمینه‌ها؛ من این چند نکته‌ی کوتاه را خواستم عرض بکنم. «قیامًا لِلنَّاسِ» یعنی این؛ زندگی تکیه‌ی به حج دارد. خیلی از مسائل اساسی زندگی، خطوط اصلی زندگی و سبک زندگی، در حج برای شما از آب درمی‌آید؛ یعنی با تأمل و تدبّر در حج و توجه در حج می‌توانید اینها را یاد بگیرید؛ و این مال این نسل نیست، مال همه‌ی نسلها است؛ هزار و چهارصد سال و اندی است که این وجود دارد، بعد از این هم هزاران سال به فضل الهی وجود خواهد داشت تا قیام قیامت؛ حج این [جوراً] است. خدای متعال در یک کلمه اینها را بیان کرده: جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ

خب، چند توصیه من بکنم برای حجاج عزیز و مسئولین حج. اولاً شما مسئولین حج خیلی قدر بدانید این کار را؛ هر کدامتان به هر نحوی، چه بخش نمایندگی، چه بخش مدیریت حج و سازمان حج، چه بخشهایی که همکاری میکنند، بخش بهداشتی، بخش امنیتی، بخش هلال احمر، بخشهای تبلیغی، صدا و سیما و دیگران و دیگران که همکاری میکنند، همه بدانند که دارند کار مهمی را انجام میدهند؛ یعنی اشتراک در یک امر مهمی دارند میکنند. تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى؛ (۱۱) این واقعاً تعاون بر برّ و تقوا است؛ قدر این کار را بدانید. خب؛ حالا «قدرش را بدانیم» یعنی چه؟ یعنی آن را خوب انجام بدهید. خوب انجام دادن یعنی چه؟ اول این است که با قصد تقرب‌الی‌الله انجام بدهید؛ چون خدای متعال خواسته، انجام بدهید. بعد هم سعی کنید کار را با بهترین وجهی، متقن، محکم، با ابتکار ان‌شاءالله انجام بدهید. و قدر این کار را بدانید؛ خیلی باارزش است؛ واقعاً کارتان کار باارزشی است.

یک توصیه به حجاج محترم است و آن، این است که خودشان را برای بهره‌مندی از این فضای معنوی آماده کنند. انسان همیشه آماده نیست؛ ببینید، نماز که ما می‌خواهیم بخوانیم، به ما می‌گویند قبل از آن، هم وضو

کنید که برای تزئین به آئینه نگاه نکنید؛ باید یاد بگیرید این را؛ این یک پرهیز است که در اوقات عادی ممنوع نیست اما این، تعلیم پرهیز است، پرهیز کردن را یاد بگیرید. ما یاد بگیریم که از یک چیزهایی باید در زندگی پرهیز کرد، این را تمرین کنیم؛ این تمرین در حج هست. ببینید؛ اینها چه قلمهای مهمی است در زندگی بشر؛ هم آن همزیستی، هم آن ساده‌زیستی، هم این تمرین پرهیز

یک نکته‌ی دیگر، تمرین «استفاده نکردن از چیزهایی که دم دست شما است». بعضی از ما این جور هستیم؛ بالاخره یک ملاحظاتی داریم، به مال کسی دست نمی‌زنیم و مانند اینها، ولیکن گاهی اوقات یک چیزی در اختیار ما قرار میگیرد — بیت‌المال است دیگر؛ در اختیار ما قرار میگیرد — یک توجیهی درست میکنیم، از این بیت‌المال یک چیزی به یک نحوی و با یک توجیهی برمیداریم؛ یک چیزی در اختیارمان قرار گرفته، قبلاً که در اختیارمان نبود این کار را نمیکردیم. این یکی از بلیات است؛ این یکی از بلیات زندگی بشر است که وقتی چیزی در دسترس او قرار گرفت، اجتناب از آن و مقابله‌ی با هوای نفس در مورد آن برایش مشکل میشود؛ مثل قضایای گوناگون، مثلاً فرض کنید ارتباط با نامحرم، مسائل جنسی و امثال اینها. یک چیزی در اختیار شما قرار میگیرد، باید بلد بشوید حالا که در اختیار شما است، به معنای این نیست که این مباح است؛ این را قرآن به ما یاد میدهد در حج: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيُبْلُوَكُمْ اللَّهُ بَشَىءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَ رِمَاحُكُمْ؛ (۹) در آیام حج، چون صید برّی (۱۰) محرّم است، حیوانات راحت می‌آیند در اختیار؛ میدانند شکار میشوند، می‌آیند در اختیار شما قرار میگیرند؛ این آهو را یا بز کوهی را اگر می‌خواستید در حال عادی شکار کنید، خیلی کار زحمت‌داری بود، اما حالا نه؛ حالا دست شما هم به او میرسد، نیزه‌ی شما هم به او میرسد، [اما] باید اجتناب بکنید. لِيُبْلُوَكُمْ اللَّهُ؛ خدای متعال شما را آزمایش میکند، بَشَىءٍ مِّنَ الصَّيْدِ؛ با یک جور صید کردن، شکار کردن. البته بحث، سر شکار غیر محرّم است؛ بعضی از انواع شکار اصلاً در حال عادی حرام است، اما این مال آن شکاری است که در حال عادی حرام نیست، در حال احرام در حج حرام است. خدا به این وسیله شماها را امتحان میکند؛ یعنی تمرین کردن اینکه شما یاد بگیرید وقتی یک چیزی در اختیارتان قرار گرفت،

قیمت روحی و معنوی، غیر از قیمت جیبی و مادی! این هم یک توصیه

یک مطلب دیگر، مسئله‌ی اتحاد است؛ اتحاد. حج، مظهر اتحاد امت اسلامی است؛ سعی کنید این اتحاد به هم نخورد؛ سعی کنید این اتحاد به هم نخورد. ائمه (علیهم السلام) میرفتند در نماز جماعت پیش‌نمازی که در مسجدالحرام نماز میخواند شرکت میکردند؛ امام صادق میرفت شرکت میکرد؛ تعمد داشت که شرکت کند و ببینند. این برای چیست؟ چرا ما این حرفها را یادمان می‌رود؟ مدام صد بار تکرار میکنیم، [اما] باز یکی از آن طرف صدایش بلند میشود راجع به مسئله‌ی شیعه و سنی و اختلافات و شکافها؛ چرا این کار را میکنند؟ چرا به سود دشمن کار میکنند؟ نمیدانند که انگلیس‌ها هنرشان ایجاد اختلاف است و یکی از گسلها و شکافهایی که همیشه انگلیس‌ها استفاده کرده‌اند، شکاف بین شیعه و سنی بوده. یواش‌یواش دیگران هم یاد گرفته‌اند و حالا شما در این اندیشکده‌های آمریکا — اندیشکده‌های سیاسی و امثال اینها — ملاحظه میکنید در تحلیل‌هایی که میکنند؛ [میگویند:] فلان افراد شیعه‌اند، فلان جاها شیعه‌اند، فلان جاها سنی‌اند؛ به آنها هم رسیده شیعه و سنی. نکنید! نکنند! برادرانه با هم زندگی کنید. بله، اختلاف نظر هست، در اعتقادات هم اختلاف نظر هست، در عقاید هم هست؛ اما اشتراک نظر هم هست؛ ما این همه مشترکات داریم؛ این همه موارد اشتراک داریم؛ اینها را بکلی ندیده بگیریم برویم سراغ اختلافات؟ نگذارید! نگذارید! امام (رضوان الله علیه) ممنوع کردند نماز جماعت را در داخل کاروانها. آن وقت گفتند «نکنید». بروید آنجا نماز بخوانید، بروید در مسجد نماز بخوانید. این برای همان اتحاد است. این اتحاد را هر چه میتوانید بیشتر کنید

یکی از چیزهایی که میتواند موجب اتحاد بشود، تماسهای مبین و خوب است؛ تماس، خوب است. یکی از چیزهایی که میتواند مورد اتحاد باشد، استفاده‌ی از این قرآن محترم است. شنیدم باز یک تعدادی قاری بحمدالله امسال دارند می‌روند؛ این بسیار کار خوبی است. این قرآن محترم بروند، بخوانند، شنوندگان تلاوت کلام‌الله لذت ببرند، کماینکه بنده هر وقت می‌شنوم، واقعاً لذت بسیار می‌برم از خواندن و تلاوت اینها. یکی از کارها که وحدت ایجاد میکند

بگیریم، هم اذان بگوییم، هم اقامه بگوییم؛ اینها هیچ کدام جزو نماز که نیست اما ما را آماده‌ی ورود در ساحت مقدس نماز میکند، دل ما را نرم میکند؛ باید آماده شد. حجتی که بدون آمادگی باشد، ممکن است کم‌فایده از آب دربیاید؛ در بعضی از احکام حج هم یک اشاره‌هایی به این دارد؛ مثلاً فرض کنید شما در سفر اول حج، [موهای] سرتان را باید بتراشید؛ حلق واجب است. مستحب است که از مدتی پیش موهای سرتان را اصلاً نزنید تا خوب بلند شود، بعد آنجا بتراشید؛ این، آماده کردن خود است برای حج. موی سر که بلند میشود، خب زیباتر است، قشنگ‌تر است، بهتر است، [لذا] دل کندن از آن با اجر بیشتری است. خودتان را آماده کنید برای این فضا؛ با تلاوت قرآن، با ذکر آیات حج، با توجه به مفاهیمی که در حج وجود دارد، با شوق به کعبه، با شوق به [زیارت] قبر مطهر پیغمبر اکرم و قبور اولیای معصومین که متمم حج است. این یک نکته که بنابراین آماده‌سازی خود و دل خود برای [ورود در ساحت مقدس حج] است

یک توصیه‌ی دیگر این است که در خود این سفر لحظه لحظه‌ها را قدر بدانید. بنده البته قبلاً هم مکرر این را گفته‌ام که بازارگردی عیب است؛ به هر نیتی بروید بازارگردی کنید، عیب است؛ مثلاً — بهانه درست میکنیم دیگر — بگویید: نه، فلان مورد لازم است، آدم باید [بخرد]؛ نه، لازم نیست. به جای اینکه بروید وقتتان را در آن بازارهای مشکل‌دار [صرف کنید] — که حالا دیگر نمیخواهم من تعبیرات تندتری بکنم، که واقعاً جای تعبیرات تندتر هست — به جای صرف [وقت] در آن بازارها و آن دکان‌گردی‌ها و مغازه‌گردی‌ها، برای آن کسی که میخواهید سوغاتی بخرید، بروید دو رکعت نماز در مسجدالحرام بخوانید؛ بروید یک طواف دور کعبه برای او بکنید، بروید آنجا دعایش کنید، بروید نیم صفحه قرآن برای او بخوانید؛ سوغاتی واقعی این است. آن چیزی که شما در آنجا به عنوان سوغاتی تهیه میکنید — که گران‌تر از جنس داخل هم هست؛ جنس داخل در موارد متعددی بسیار بهتر از آن هم هست؛ هم بهتر است، هم ارزان‌تر است — این را همین جا تهیه کنید. اگر میخواهید یک هدیه‌ای هم به کسی بدهید — هدیه خوب است، عیب ندارد — همین جا تهیه کنید؛ چرا آنجا تهیه میکنید؟ کمک کردن به چه کسی؟ آن هم با چه قیمتی؟ با چه

مال آنها نیست؛ مکه مال همه‌ی آحاد مردم است: **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ؛ (۱۲)** برای مردم وضع شده؛ **سَوَاءُ الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ؛ (۱۳)** آن که آنجا ساکن است، و آن که از بیرون می‌آید، همه با هم یکسانند؛ مال همه است؛ مال این دولت که نیست؛ حالا یک دولتی بالاخره در آنجا حاکمیت پیدا کرده و امور آنجا را به دست گرفته، باید بر طبق مصلحت دنیای اسلام عمل کند، نه بر طبق مصلحت خودش. این چیزهایی که نقل کردند از افزایش بعضی از هزینه‌ها و مانند اینها، اینها کارهایی است که باید تجدید نظر کنند. وانگهی امنیت زوآر را باید حفظ کنند؛ بنده امنیت همه‌ی زوآر دنیای اسلام را و به طور ویژه امنیت زوآر ایرانی را بجد مطالبه می‌کنم؛ موظفند؛ موظفند که این امنیت را حفظ کنند و نگذارند که فجایع گذشته تکرار بشود.

یک نکته‌ی آخر هم [این است که] شما مسئولان حج ببینید می‌توانید زمان حج را کوتاه کنید؛ [این] واقعاً یکی از مسائل مهم است. حالا بیست و چند روز مثلاً طول میکشد. ببینید میشود یک کاری کرد؛ بالاخره کار نشد که ندارد؛ باید راهش را پیدا کرد. بگردید راهش را پیدا کنید ببینید [اگر] میشود، زمان حج را کوتاه کنید. حالا وقتی زمان را کوتاه کردید ممکن است کسی بخواهد بیشتر بماند، بیشتر زیارت کند، خب میماند اما اگر کسانی خواستند زودتر برگردند بتوانند برگردند؛ ببینید این را دنبال کنید؛ البته کار آسانی نیست، کار سختی است؛ میدانم اما در عین حال میشود دنبال کرد و فکر کرد امیدواریم ان شاءالله خدای متعال به همه‌ی شماها توفیق بدهد، کمکتان کند بتوانید این وظیفه‌ی بزرگ و حساس و مهم را به بهترین وجهی انجام بدهید
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته



همین است. قرآن مایه‌ی وحدت بین مسلمین است. و از [این قبیل] آکارها

یک مسئله، مسئله‌ی صهیونیست‌ها است؛ یعنی امروز بلای صهیونیسم برای دنیای اسلام، بلای نقد و فوری و دم دستی است. همیشه بلا بوده‌اند، حتی قبل از تشکیل دولت جعلی رژیم صهیونیستی؛ آن وقت هم سرمایه‌دارهای صهیونیستی در دنیا بلا برای جان همه بودند اما الان هم برای بخصوص دنیای اسلام بلا است. این را باید افشا کرد، باید گفت؛ حالا به هر شکلی که بلدید، به هر شکلی که می‌توانید. این کسانی و این دولتهایی — دولتهای عربی — که با صهیونیست‌ها با همدیگر دست دادند و مصافحه کردند و روبروسی کردند و جلسه گذاشتند، هیچ سودی نخواهند برد از این کار؛ هیچ؛ جز ضرر برایشان چیز دیگری ندارد. اولاً ملت‌هایشان مخالفند؛ عرب و غیر عرب؛ حالا بنده گفتم عربها، غیر عربها هم بعضی‌هایشان همین کار را کردند. ملت‌هایشان مخالفند، اینها می‌نشینند آنجا با همدیگر قهوه می‌خورند، ملت‌هایشان آن پایین علیه آنها مشت گره میکنند و شعار میدهند. پس این به ضررشان است. بعلاوه رژیم صهیونیستی اینها را می‌مکد، اینها را استثمار میکند، اینها ملتفت نیستند، نمی‌فهمند؛ البته بعد از چندی خواهند فهمید که امیدواریم [آن زمان] دیر نشده باشد. اینها باید افشا بشود. تنها چیزی که این دولتها را وادار میکند [به این کار]، خواست آمریکا است؛ میخواهند بر طبق خواست آمریکا عمل کنند؛ چون دل آمریکا میخواهد، میخواهند عمل کنند؛ چون فشار آمریکا است، میخواهند عمل کنند؛ فقط همین است والا واقعاً هیچ فایده‌ای برای آنها ندارد

یک نکته‌ی دیگر هم مسئله‌ی وظیفه‌ی دولت میزبان است؛ یک وظایف سنگینی بر عهده‌شان هست. مکه که مال آنها نیست؛ مکه مال همه‌ی آحاد مردم است: **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ؛ (۱۲)** برای مردم وضع شده؛ **سَوَاءُ الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ؛ (۱۳)** آن که آنجا ساکن است، و آن که از بیرون می‌آید، همه با هم یکسانند؛ مال همه است؛ مال این دولت که نیست؛ حالا یک دولتی بالاخره در آنجا حاکمیت پیدا کرده و امور آنجا را به دست گرفته، باید بر طبق مصلحت دنیای اسلام عمل کند، نه بر طبق مصلحت خودش. این چیزهایی که نقل کردند از افزایش بعضی از

Zionism is an obvious plague for the world of Islam which should be exposed



The Leader described Hajj as being a divine, wise program, which has different aspects and dimensions from other religious programs. He explained, “The Holy Qur’an describes the wisdom of the Hajj pilgrimage in one short sentence that means ‘the pillar of human life.’ Hajj includes teachings and practices that teach human beings and the next generations how to select the pillars in their lives.”

Imam Khamenei said that teaching “coexistence, a simple lifestyle and the avoidance of likely sins that require that one to be more vigilant” are important lessons to be learned from the Hajj pilgrimage. He advised all pilgrims and officials involved in this spiritual trip to appreciate this great blessing and be grateful for this pilgrimage. He said that this means carrying out their responsibilities with the intention of getting closer to God. He also said that the officials must conduct their actions firmly, with piety and innovatively.

He also urged Hajj pilgrims to become ready internally for this spiritual trip and to avoid unpleasant actions such as spending their time in the shops. He said, “The real souvenir of the Hajj pilgrimage is recitation of the Qur’an, saying one’s prayers and circumambulating Masjid al-Haram. So the pilgrims should not waste their precious time doing useless deeds.”

In referring to the fact that Hajj is a symbol of the unity of the Islamic nation, the Supreme Leader said, “Everyone should make all-out efforts to prevent the disruption of Muslim unity, because creating discord between the Shi’a and the Sunnis is one of the tricks used by the English.”

The Leader of the Islamic Revolution said that promoting good, enlightening communications with pilgrims from other countries and using good Qur’anic recitations are among the areas where efforts can be made to enhance unity. He also emphasized that the Zionists are a blight that is currently affecting the world of Islam. He said, “Revealing the Zionists’ conspiracies and plans during the Hajj pilgrimage is a great necessity. The Arab and non-Arab states, who have pursued normalization of ties with the Zionist regime in line with the United States’ policies and in contradiction to the wishes of their own nations, should be aware that such meetings will bear no fruit except their being exploited by the Zionist regime.”

Imam Khamenei also referred to the grave duties of the host government and

the necessity of their working in such a way that is to the benefit of the Islamic nation. He said, “Ensuring the safety of all pilgrims, especially the Iranian pilgrims, and preventing the tragedy that took place in the past by increasing their spending, is one of the Islamic Republic’s serious demands.” At the end, he asked the Hajj officials to put the issue of reducing the number of days needed to carry out Hajj on their agenda and to find a solution to this problem.

At the beginning of the meeting, the representative of the Supreme Leader in “Hajj and Pilgrimage Affairs,” Abdul Fattah Nawab, as well as the Head of the “Hajj and Pilgrimage Organization,” Sadeqh Hosseini, reported on the preparations Iran has made and the programs it has planned for this year’s Hajj pilgrimage.



@sayes_man

**sayes
man**

**Shia means one hundred
search deserts**

**Shia means emigration from
me to him**

صلاة الختم